

Spreading justice in decent governance with an emphasis on Nahj al-Balagha and Confucian teachings

Seyed Morteza Mirtabar^a, Morteza Hassani Nasab^{b*}

^a Researcher in Mabana Research Center, PhD graduate of Comparative Religions, University of Religions and Denominations

^b Assistant Professor, Department of Islamic Thought, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

justice,
Imam Ali,
Confucius,
ethics,
Government

Received: 18 December 2022;

Accepted: 10 January 2023

Article type: Research Paper

DOR: 20.1001.1.28212495.1401.1.1.10.7

ABSTRACT

Justice-centeredness and spreading justice are the main level of decent governance, which has been discussed by many religious leaders and schools of thought and human societies. Imam Ali (a.s.), as the founder of the school of Shiism, and Confucius, as the pioneer of Confucian philosophy in ancient China, considered justice to be the main secret of governance and survival of the system, and underlined its importance. This research tries to compare the views of Imam Ali (a.s.) and Confucius about justice and its expansion methods by using the qualitative method and using the available documentary sources. According to the research model, their points of view were carefully analyzed in 5 semantic, political, social, ethical and strategic fields. From the similarities of the schools with respect to justice, we can note the principles of nature of justice, good governance, survival and preservation of the system, meritocracy, and equality. The comparative analysis shows that their common strategy is to train educated rulers and students for the growth and expansion of justice in the society. One of their differences is the humanist attitude of Confucius and the theistic attitude of Imam towards justice. The source of Confucian justice is the tradition and experience of the past, and the source of Imam Ali's justice is the Qur'an and the prophetic tradition.

* Corresponding author.

E-mail address: M-hasaninasab@araku.ac.ir

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





عدالت‌گستری در حکمرانی شایسته با تأکید بر نهج البلاغه و تعالیم کنفوسیوس

سیدمرتضی میرتبار^{الف}، مرتضی حسینی‌نسب^{ب*}

^{الف} پژوهشگر مرکز پژوهشی مینا، فارغ‌التحصیل دکترای مطالعات تطبیقی ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب
^ب استادیار، گروه معارف، دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک، اراک، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
عدالت، امام علی (ع)، کنفوسیوس، اخلاق، حکومت	عدالت‌محوری و عدالت‌گستری تراز اصلی حکمرانی شایسته است که بسیاری از بزرگان شرایع و مکاتب فکری، سیاسی و جوامع انسانی از آن سخن گفته‌اند. امام علی (ع) به عنوان بنیان‌گذار مکتب تشیع و کنفوسیوس به عنوان داعیه‌دار فلسفه کنفوسیوسی در چین باستان، عدالت را رمز اصلی حکمرانی و بقای نظامات دانسته و تأکیدات زیادی بر آن دارند. این پژوهش به روش کیفی و با شیوه تحلیل مضمون و با بهره‌گیری از منابع اسنادی موجود، تلاش دارد به بررسی تطبیقی دیدگاه امام علی (ع) و کنفوسیوس درباره عدالت و راهبردهای گسترش آن بپردازد. مطابق با مدل پژوهش، دیدگاه آنان در ۵ ساحت معناشناختی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و راهبردی مورد دقت قرار گرفت. از تشابهات این دو مکتب در مسئله عدالت، می‌توان به اصل اخلاقی بودن مقوله عدالت، اصل حکمرانی شایسته، اصل بقا و حفظ نظام، اصل شایسته‌سالاری، اصل لی و اصل مساوات اشاره کرد. تحلیل مقایسه‌ای واحدهای مورد بررسی نشان می‌دهد راهبرد مشترک آنان تربیت حاکمان و شاگردان فرهیخته برای رشد و گسترش عدالت در جامعه است. از افتراقات آنان نگرش انسان‌گرایانه کنفوسیوس و نگرش الهی‌باورانه امام به عدالت است. منبع عدالت کنفوسیوسی، سنت و تجربه گذشتگان و سرچشمه عدالت امام علی (ع) قرآن و سنت نبوی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

عدالت محوری و عدالت‌گستری یکی از مهمترین ویژگی‌ها و به نوعی تراز اصلی حکمرانی شایسته به شمار می‌رود. مؤلفه‌ای که از دیرباز مد نظر انسان‌ها، اندیشمندان، پیامبران، صاحبان شرایع دینی و مکاتب فکری، سیاسی و جوامع انسانی بوده و از آغازین روز ظهور تمدن بشری و شکل‌گیری دولت - شهرها، از موضوعات بنیادی و اساسی به شمار می‌آمده و بخش عظیمی از تأملات و تفکرات فلسفی، کلامی، دینی و سیاسی را به خود اختصاص داده است. به عنوان مثال ارسطو عدالت را به عنوان شریف‌ترین فضیلت نام می‌برد و معتقد است که عدالت شامل همه فضایل است (ارسطو، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۶۸) و افلاطون نیز موضوع اساسی جمهوریتش را به تعریف عدالت و شناخت ماهیت آن اختصاص می‌دهد. (افلاطون، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۳۷) اما پیش از ارسطو و افلاطون، حدود پانصد سال پیش از میلاد، کنفوسیوس بنیانگذار آیین کنفوسیوس چینی که در عصر خود دانشمندی جامع شرایط شناخته می‌شد و نقل قول‌های زیادی درباره وی بیان گشته است (یو-لان، ۱۳۸۰: ۶۵)، توجه ویژه‌ای به عدالت داشته و از آن به عنوان یکی

از بنیان‌های اصلی سیاست و کشورداری یاد کرد. آموزه‌های کنفوسیوس بعدها، مبنای فلسفه سیاسی و مذهبی حکومت چین شد و نخستین متونی بود که ابزار شناخت شایستگی‌ها در جامعه و در نتیجه عدالت‌گستری به حساب می‌آمد. (رشیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۴) در جامعه اسلامی نیز عدالت، اصل بی‌بدیل و از اصول مسلم دین شناخته شد که نمود و نمونه بارز حکومت اسلامی در اجراسازی این مؤلفه مهم، حکومت امام علی (ع) است. امام علی (ع) برای حکومت شایسته، شاخص‌های بسیاری ذکر کردند که از بنیادی‌ترین و مهمترین آن عدالت‌گستری است که رهبر جامعه باید دارای ویژگی ممتاز عدالت، تقوا و ... باشد؛ همان گونه که امام در نهج البلاغه هشدار می‌دهد روش حکومتی حاکمیت اسلامی نباید خودکامه باشد و نباید حاکمیت اسلامی راهی را طی کند که از مردم جدا شود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

اما با وجود شباهت‌ها و تأکید فراوان امام علی (ع) به عنوان سکاندار مذهب تشیع و کنفوسیوس به عنوان داعیه‌دار مذهب و فرهنگ چین که یکی از نشانه‌های تقریب و سازگاری دو مکتب به شمار می‌رود، تفاوت‌هایی در تحقق، شناخت و گسترش عدالت وجود دارد که این مسئله ضرورت بررسی مقایسه‌ای آن را دوچندان می‌سازد. بنابراین آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود پاسخ به این پرسش‌ها است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در نگرش امام علی (ع) و کنفوسیوس در معناشناختی، تحقق و راهبردهایی در گسترش عدالت در جامعه وجود دارد؟ و آیا این دو حکیم فرزانه تعاریف هم‌گونی را از عدالت ارائه می‌دهند؟ باید یادآور شد که تاکنون تحقیق نظام‌مند و مقایسه‌ای میان اندیشه‌های امام علی (ع) و کنفوسیوس به‌خصوص در زمینه عدالت انجام نگرفته است؛ در حالی که برای برقراری ارتباط تقریبی میان تشیع و پیروان مذهب کنفوسیوس، انجام این نوع تحقیقات حائز اهمیت می‌باشد.

هدف و فرضیه‌ای که نگارنده در این مقاله به دنبال آن است بیان مشترکات و افتراقات مبنایی امام علی (ع) و کنفوسیوس در زمینه عدالت است که از این طریق می‌توان از سویی در جهت برقراری ارتباط و مکالمات میان مذهب تشیع و آیین کنفوسیوس استفاده نمود و از سوی دیگر به برتری دیدگاه امام علی (ع) دست یافت.

۲. مروری بر رویکردهای پژوهش

با توجه به اینکه رویکرد اصلی این پژوهش تعریف و تبیین مقایسه‌ای مقوله عدالت از منظر امام علی (ع) و کنفوسیوس است؛ بنابراین پیش از استخراج مقوله‌های عدالت از منظر آن دو شخصیت مهم، ابتدا به جایگاه عدالت و عدالت‌گستری از منظر امام علی (ع) و کنفوسیوس به عنوان رویکرد اصلی این پژوهش و سپس روش تحقیق پرداخته می‌شود.

۱.۲. گسترش عدالت؛ هدف والای کنفوسیوس و امام علی (ع)

در بیان جایگاه کنفوسیوس در چین می‌توان گفت که او پیوسته دارای شهرت بوده، اما مقام و جایگاهش نزد مردم همیشه در حال تغییر بود. بسیاری معتقد شدند که وی از سوی خداوند تعیین گردید تا حکومت جدیدی بعد از حکومت «چو» بنا نماید. برخی نیز مقام او را چنان ترقی دادند که از وی به عنوان خدای حی و حاضر در میان مردم یاد شد و از فلسفه او به عنوان آیین کنفوسیوس که دقیقاً یک مذهب تلقی می‌شد نام برده شد. البته امروزه وی را تنها یک معلم بزرگ می‌دانند، اما توصیه‌ها و اصول اخلاقی وی هنوز مدنظر جامعه جهانی به ویژه مردم چین می‌باشد. (یو-لان،

۱۳۸۰: ۶۴-۶۵) او خود را انتقال‌دهنده تعالیم فرزنانگان چینی^۱ می‌دانست، نه امری که بخواهد بوالهوسانه ایجاد کند. او براساس این تعالیم، به دنبال اصلاح جامعه بود (Berthrong, 2000: 11) لذا تأکید زیادی بر عدالت به عنوان اصلی اخلاقی داشت. در واقع محور تعالیم کنفوسیوس اخلاق و فرزنانگی است؛ (Berthrong, 2000: 12) چرا که از منظر کنفوسیوس، فضیلت اخلاقی در تکمیل جامعه بشری درجه و مقام نخست را داراست (کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۹۸) و یکی از اصول بنیادین پابرجای کنفوسیوس که از عدالت گسترده ریشه می‌گیرد مقام اجتماعی، شهرت و حکومت بر مبنای شایستگی است (رشیدی، ۱۳۸۳: ۱۰۴) که مؤلفه اصلی او در حکمرانی شایسته است.

اما عدالت در اندیشه‌های اسلام نیز نمود زیادی دارد و همواره به عنوان یکی از پرمناقشه‌ترین مفاهیم دینی، مورد مذاقه و واکاوی اندیشمندان مسلمان اعم از فقیه و فیلسوف و متکلم بوده است و قرآن نیز بر این فضیلت اخلاقی تأکید نموده و استقرار و گسترش عدالت را یکی از اهداف اساسی فلسفه بعثت انبیا ذکر می‌کند و همه را به اجرای آن فرامی‌خواند.^۲ اما در این میان، این شیعیان هستند که از عدالت به عنوان یکی از اصول دینی و مذهبی خود نام برده و فرهنگ تاریخی و اعتقادی آنان همواره عدالت را جزء لاینفک خود قلمداد می‌کند. بر مبنای تفکر شیعیان، امام علی(ع) به عنوان خلیفه بلافصل^۳ پیامبر اسلام(ص) و محوری‌ترین شخصیت در مذهب تشیع، شخصیتی است که نامش با عدالت قرین بود. در واقع غالب مسلمانان و حتی ناظران و نویسندگان غیرمسلمان همچون جرج جرداق^۴، امام علی(ع) را انسانی کامل و وارسته دانسته و مطالب زیادی در کتاب‌های خود از ایشان نقل نمودند و ایشان را آهنگ عدل بشری معرفی کرده‌اند. (رهبر، ۱۳۶۴: ۲۴۰) به اعتقاد حضرت علی(ع) ملاک حکمرانی، عدل است و عدالت محکم‌ترین اساس و بنیانی است که در نظام اجتماعی وجود دارد. خداوند متعال عدالت را سبب قوام امور زندگانی مردم قرار داده تا از ظلم، نابسامانی و گناه در امان بمانند و احکام و قوانین به وسیله عدالت احیا، و اجرا گردند. حضرت علی(ع) بهترین نوع سیاست و حکومت را نوع مبتنی بر عدل دانسته و انتظام امور نظام سیاسی و مردم را به عدالت منوط کرده، می‌فرماید: «تحقیقاً بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت است و ظهور محبت مردم [را به دنبال دارد] و به‌درستی که محبت مردم ظاهر نمی‌شود، مگر به سلامت سینه‌هایشان [به خالی بودن از کینه و بغض حاکمان]. (علیخانی، ۱۳۸۰، ص ۶۰)

۲.۲. روش تحقیق

وجود روایات و سخنان متعدد از امام علی(ع) و کنفوسیوس و ایجاد گفتمان مختلف در تشابهات و تفاوت‌های دیدگاه آنان در زمینه عدالت و گسترش آن، ضرورت همه‌جانبه تحلیل مضامین سخنان آنان را موضوعیت می‌بخشد. بنابراین تحلیل محتوا که روشی برای تحلیل مضامین آشکار و پنهان نظریه‌ها است، به‌کار گرفته می‌شود؛ اما با توجه به اینکه رسالت پژوهش طراحی مدلی تبیینی و راهبردی با رویکرد مقایسه‌ای در رابطه با موضوع است از این لحاظ وجهی

^۱ - کنفوسیوس تعالیم خود را تعالیمی می‌دانست که به امپراتوران بزرگ افسانه‌ای چین، مثل «یاو» و «شون» منسوب بود که از آنان به عنوان فرزنانگان افسانه‌ای نام می‌برد. (Berthrong, Ibid, p. 11)

^۲ - حدید / ۲۵؛ شورا / ۱۵؛ مائده / ۸؛ نساء / ۵۸؛ نحل / ۹۰

^۳ - امام علی(ع) از منظر شیعیان به عنوان خلیفه بلافصل پیامبر اسلام(ص) و نزد سایر مسلمانان به عنوان خلیفه چهارم شناخته می‌شود.

^۴ - جرج جرداق کتابی با عنوان «الامام علی(ع) صوت العدله الانسانیه» نوشته است که در آن از فضایل و ملکات امام سخن رانده و ایشان را به عنوان صوت عدل بشری معرفی می‌کند.

استقرایی به خود می‌گیرد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر سعی دارد برای شناسایی مقوله‌های جدید یا پالایش مقوله‌های اولیه به مطالعه استقرایی بپردازد (فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸: ۴۳). بازده مورد انتظار از تحلیل محتوای کیفی نیز بیان معنای اطلاعات کیفی در قالب مقوله‌ها یا مضامین پاسخگو به پرسش‌های تحقیق است (چو و لی، ۲۰۱۴: ۱۲). واحد سنجش و ثبت در پژوهش حاضر هر قسمتی از متن است که در رابطه با سوالات پژوهشی مضمونی را به صورت کامل و مستقل انتقال می‌دهد. بنابراین ممکن است در پژوهش حاضر واحد مربوطه، گزاره یا پاراگراف یا حتی مفاهیم برگرفته از دیدگاه امام علی (ع) و کنفوسیوس باشد. از جمله ابزاری که در تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد نرم‌افزار تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی MAXQDA است.

مراحل پژوهش بدین صورت است:

گزینش و جمع‌آوری اطلاعات: در پژوهش حاضر واحدهای تحلیل اسناد پژوهشی است که بیانگر نظرات و اندیشه‌های این دو شخصیت مهم است.

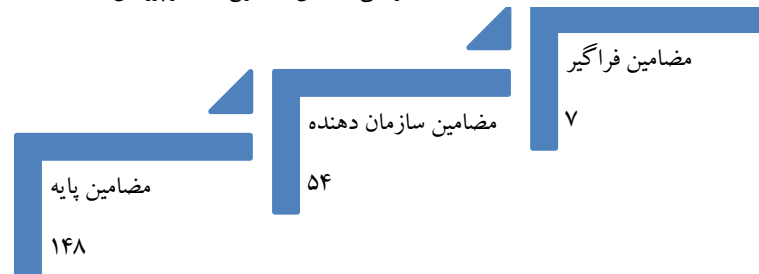
استخراج مضامین: به این معنی که مصادیق مرتبط با عدالت‌گستری در وهله نخست به کدهای اولیه تبدیل و سپس در یک سطح انتزاع بالاتر به مضامین تبدیل شدند. تمامی کدها و مضامین استخراج شده در بخش یافته‌ها و دستاوردها مشخص می‌باشند.

ارائه مدل با استفاده از ترسیم شبکه مضمونی

تفسیر و تشریح شبکه‌های استخراج شده

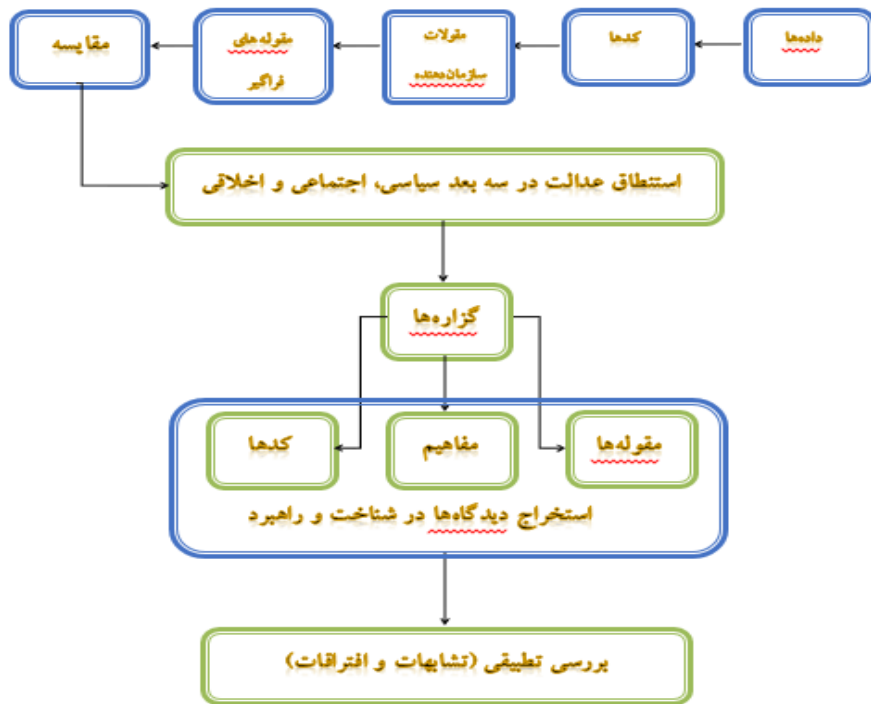
بررسی مقایسه‌ای دیدگاه آنان

مسیر کلی مضامین استخراج شده در پژوهش



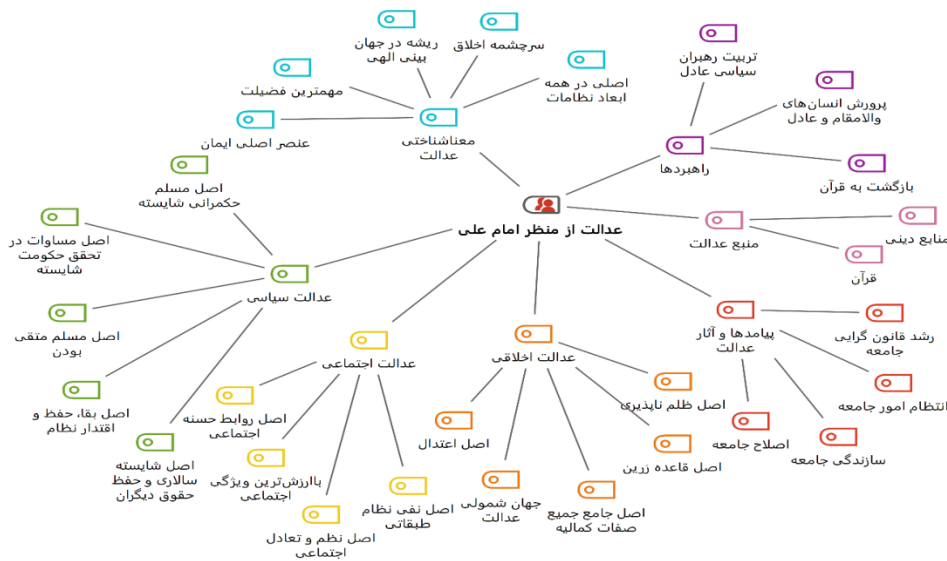
مسیر کلی پژوهش در مدل ذیل قابل بیان است:

مسیر شکل‌گیری مدل پژوهش



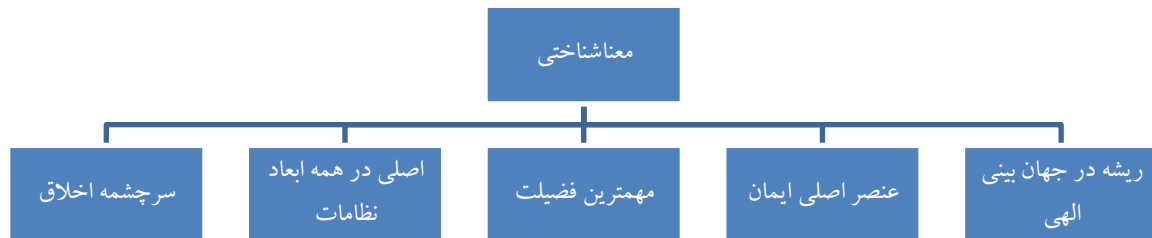
۳. مدل عدالت‌پژوهی از دیدگاه امام علی (ع)

بر مبنای مدل ارائه داده شده و بررسی کد باز از سخنان امام علی (ع)، می‌توان مقولات ذیل را استخراج نمود و مضامین اصلی را کشف کرد. بر مبنای داده‌های به دست آمده از سخنان امام علی (ع)، می‌توان از مدل ذیل برای شناخت مضامین سازمان‌دهنده به عدالت‌گستری و مضامین فراگیر آن دست یافت و در نهایت با مدل عدالت‌پژوهی از منظر کنفوسیوس مقایسه نمود و شباهت‌ها و تفاوت‌ها را استخراج کرد:



۱.۳. معناشناختی عدالت در اندیشه امام علی (ع)

از میان بیانات جهان‌شمول امام علی (ع) می‌توان به اهم مقولات اصلی معناشناختی از منظر امام علی (ع) دست یافت که در نمودار ذیل نشان داده می‌شود.



- ریشه در جهان بینی الهی

عدالت از دیدگاه امام علی (ع) مستلزم توجه به دو موضوع که یکی خاستگاه اندیشه ایشان و دیگری شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی پس از رحلت رسول خدا (ص) است؛ اما با این وجود باید دانست که مقوله عدالت در نگاه امام، ریشه در جهان بینی الهی دارد و چیزی جز وحی و سیره نبوی نمی‌باشد.

- عنصر اصلی ایمان

امام علی (ع) در پاسخ سؤالی که از تعریف ایمان بیان شده بود عدالت را یکی از عناصر ایمان نامید. (نهج البلاغه، خطبه ۳۱) آنگاه درباره این عنصر ایمان فرمود: عدالت نیز بر چهار ستون قائم است: غور در دانش، فهم عمیق در امور، نیکو داوری کردن و در بردباری استوار بودن. (شهیدی، ۱۳۷۱: ۳۶۵) چنان که هویدا است دو ستون اول عدالت مورد نظر امام، به ابعاد نظری و درونی انسان اشاره دارد و دو مورد دیگر ناظر بر ابعاد عملی و بیرونی آدمی است.

- بالاترین فضیلت

براساس برخی روایات وارد شده از امام علی (ع)، ایشان عدالت را رستگاری و کرامت، برترین فضائل، بهترین خصائص، بالاترین موهبت الهی، (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۱۲) نظام بخش حکومت، مترادف انصاف، فضیلت انسان، فضیلت فرمانروا، برترین ویژگی نیکو، غنی‌ترین ثروت، سامان‌دهنده شهروندان، زیبایی حاکمان، تداوم بخش قدرت، زیبایی سیاست، سامان‌بخش و نجات‌دهنده دولت، برترین سیاست‌ها، رفع‌کننده اختلافات و عامل همبستگی،^۵ رأس ایمان و همسان با احسان (محمدی‌الری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۶: ۸۱) و ... دانسته است که به عنوان ضرورت وجودی ارزش ذاتی انسان باید مورد توجه قرار گیرد.

- اصلی در همه ابعاد نظامات

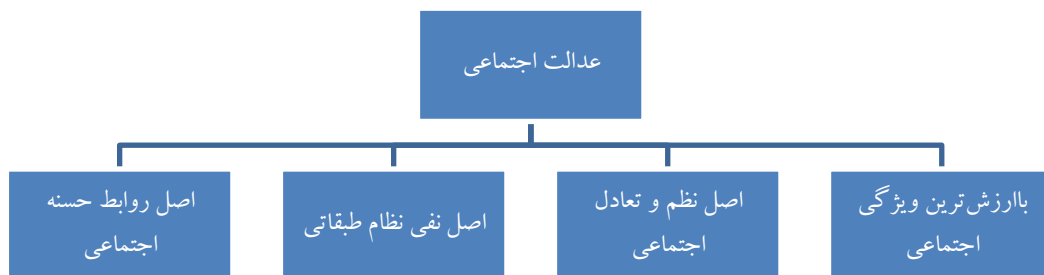
^۵ - رک: الامدی التمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۱۳، ۱۵، ۲۱، ۳۲، ۳۳۸، ۳۳۵، ۳۲۹، ۱۲۷، ۱۰۲، ۸۲، ۴۸، ۴۱، ۴۰، ۳۷

با توجه به دیدگاه‌های امام در این باره به دست خواهد آمد که ایشان عدالت را هم در سیاست، هم در اجتماع و هم به عنوان فضیلت اخلاقی در نظر گرفته و معتقد است که جوهر اصلی، عدالت به عنوان اصلی اخلاقی است که تمام نیکویی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و پیشرو در همه نظام‌ها می‌باشد؛ چه نظام اجتماعی، چه سیاسی و چه اخلاقی (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۶۰۵-۶۰۷).

در مجموع می‌توان گفت عدالت از منظر امام علی (ع)، اصلی بنیادین و جهان‌شمول در همه ابعاد نظامات که ریشه در بینش الهی دارد و محور اصلی ایمان و همه فضیلت‌ها است و اخلاق بدون آن بی‌معنا خواهد بود.

۲.۳. عدالت اجتماعی از منظر امام علی (ع)

اهم مقولات استخراج شده از سخنان امام علی (ع) درباره عدالت اجتماعی چنین است:



- باارزش‌ترین ویژگی اجتماعی

امام علی (ع) در پاسخ به این پرسش که از میان عدالت و بخشش کدام یک برتر و ارزشمندترند؟ فرمودند: «عدالت چیزها را در جای خود می‌دهد و بخشش آن‌ها را از جای خود بیرون می‌نهد و عدالت قانون و مدیری عام (برای همگان) است و بخشش تنها یکی را بهره می‌دهد که به او بخشش شده است، پس عدالت ارجمندتر و برتر است» (نهج البلاغه، قصار ۴۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷، ج ۲۰: ۸۵). ارجحیت عدالت از بخشش از منظر امام نشان‌گر آن است که امام علی (ع) عدالت را بیش از آن که از دیده فردی و شخصی نگاه کند جنبه اجتماعی آن را لحاظ نمود. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مورد توجه مولای متقیان بود و آن را ناموس بزرگ اسلامی تلقی می‌کرده و از هر چیزی بالاتر می‌دانسته است و سیاستش بر مبنای این اصل تأسیس شده بود» (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۹).

- اصل نظم و تعادل اجتماعی

امام معتقد بود که برای سامان‌دهی به امور مردم، اجرای عدالت کافی است؛ زیرا نظم و انضباط اجتماعی بر این اساس شکل می‌گیرد و تربیت اجتماعی حاصل می‌گردد. (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴: ۵۷۴) در واقع عدالت طبق تعریف امام علی (ع) باعث ایجاد تعادل اجتماعی در بین جامعه و صفوف آن می‌گردد؛ زیرا عدالت بنا به کتاب و سنت نبوی به این معنا است که هر قشر و صنفی باید در جایگاه ویژه و بایسته‌اش قرار گیرد. در واقع اگر گزینش جامعه براساس اصل عدالت باشد هر کس بر طبق لیاقت و توانایی خود خدمت می‌کند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) امام در نامه

معروفش از مالک اشتر می‌خواهد که توجه به این نوع گزینش داشته باشد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) بدیهی است که چنین تعادلی در اجتماع بدون رعایت اصل نفی تبعیض و رعایت صلاحیت‌ها و استحقاق‌ها و اعطای حق هر کسی میسر نیست.

- اصل نفی نظام طبقاتی

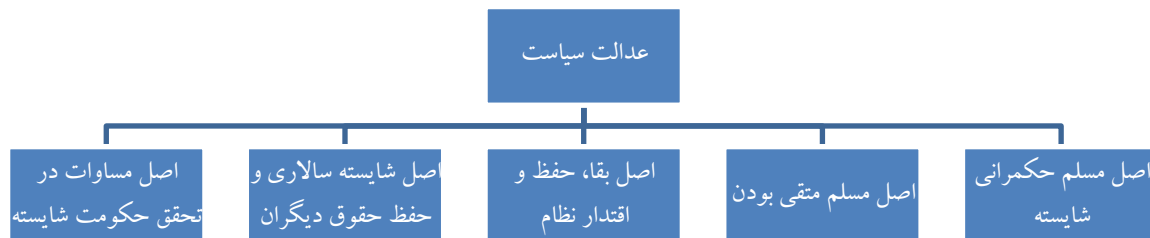
علی (ع) معتقد است همه مردم در حق و عدالت برابرند (همان، نامه ۷۰) و انسان‌ها باید فاقد از هر قید و شرطی، (همان، نامه ۵۳) دادرسی گردند تا تعادل اجتماعی حفظ گردد و نظام طبقاتی ایجاد نگردد. در واقع تعریفی که امام از عدالت اجتماعی ارائه می‌دهد کاملاً با معیارهای اخلاقی بوده و ساختاری اخلاقی دارد.

- اصل روابط حسنه اجتماعی

امام در نامه خویش به فرزندش امام حسن (ع) عدالت اجتماعی را در انطباق خود با دیگران بیان داشته و آن را معیار روابط اجتماعی می‌داند و از فرزندش می‌خواهد که نفس خود را میزان قرار دهد و بر همان اساس با مردم برخورد کند. (همان، نامه ۳۱) امام علی (ع) تنها راه دستیابی به جامعه‌ای برابر و پیشرفته به دور از انحراف، افراط و شکاف را در تحقق عدالت اجتماعی می‌داند. عدالت اجتماعی، با ارزش‌ترین ویژگی در تحقق اجتماعی مطلوب است که ذیل حداقل سه اصل نظم و تعادل اجتماعی، نفی نظام طبقاتی و روابط حسنه اجتماعی تحقق می‌یابد.

۳.۳. عدالت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)

مقولات پایه و مهم عدالت سیاسی از منظر امام علی (ع) را می‌توان چنین طبقه‌بندی نمود:



تحلیل و بررسی هر یک از ۵ مقوله استخراج شده، به قرار ذیل است:

- اصل مسلم حکمرانی شایسته

امام علی (ع) معتقدند که از منظر سیاست، ملاک حکمرانی شایسته، عدل است و عدالت محکم‌ترین بنیان، مأنوس خلایق و رعایت آن موجب افزایش برکات می‌شود. (علیخانی، ۱۳۷۷: ۷) بنابراین حضرت به جهت رعایت مساوات و نفی هرگونه تبعیض، از زمامدار می‌خواهد که به ملایمت با زیردستان برخورد کنند. (نهج البلاغه، نامه ۴۶) ایشان انحصارگرایی را عامل تبعیض دانسته و معتقدند در حکمرانی شایسته نباید انحصارطلبی برای حاکمان وجود داشته باشد و همه مردم باید از حقوقی برابر برخوردار باشند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

- اصل مسلم متقی بودن

امام علی(ع) هسته اصلی سیاست را در عدالت توضیح می‌دهد و ملاک سیاست را در عدالت می‌جوید. (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۲۵) ایشان حتی در بیان صفات متقی نیز عدالت را مدنظر قرار داده و اولین گام در عدالت را دوری از هوا و خواهش نفس می‌خواند. (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)

- اصل بقا، حفظ و اقتدار نظام

علی(ع) در خصوص تأثیرات عدالت بر حفظ قدرت و بقاء حکومت که یکی از نشانه‌های حکمرانی شایسته است، معتقدند که هیچ چیز مانند عدالت، دولت‌ها را محافظت نمی‌کند (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵: ۷۰) و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌گردد. (امدی تمیمی، ۱۳۷۷: ۳۴۰)

- اصل شایسته‌سالاری و حفظ حقوق دیگران

در دوران حیات امام، موارد متعددی وجود دارد که مصداق‌های مبانی امام در حوزه عدالت و حفظ حقوق دیگران را تشریح می‌کند که نوع برخورد امام با بردارش عقیل (جواب رد دادن برای گرفتن مبلغی از بیت‌المال) (ابن حجر، ۱۳۱۲: ۷۹) و گم شدن زره امام و ادعای مالکیت مرد مسیحی و رفتن پیش قاضی و حکم دادن قاضی به نفع فرد مسیحی (ثقفی، ۱۳۷۴: ۴۷-۴۹) و موارد فراوان دیگر نشان از رعایت حقوق هم‌نوعان از سوی خلیفه مسلمین است. هیچ‌گاه علی(ع) خلاف قوانین جامعه رفتار ننمود و عدالت را در عرصه سیاسی رعایت می‌کرد و از دیدگاه امام(ع) از همین رو زمانی عدالت گسترش و اجرا می‌شود که کار مردم را زمامداران شایسته سامان دهند. (نهج البلاغه، خطب ۲۱۶)

- اصل مساوات در تحقق حکومت شایسته

در هفتاد و نه نامه که از علی(ع) در نهج البلاغه ثبت است، جنبه رهنمودهای آنها بیش از سایر جنبه‌ها به چشم می‌خورد. در این نامه‌ها به سران لشکر و قضات و استانداران و عاملان خراج و سپاهیان، مؤکدا تذکر داده است که شغل خود را جز وظایف عبادی بشمارند و کشورداری را از دین‌داری جدا ندانند و در عین حال که انجام وظیفه می‌کنند، مظهر رأفت و عدالت باشند و بر ضعیفان بیخشانند. امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر فرماندار مصر از وی می‌خواهد که به فکر افراد پایین جامعه نیز باشد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) حکومت از نظر علی بن ابی طالب(ع)، دری است که حاکم آن را برای این می‌گشاید که داد مردم را بدهد و مساوات را در نهایی‌ترین شکل امکان، بین مردم برپا دارد. (جرداق، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۹۱) در واقع حاکم برای حکومت شایسته نیاز مبرمی به عدالت دارد عدالتی که ریشه‌ای اخلاقی داشته و از مبانی دینی اخلاق نشأت گرفته باشد.

۴.۳. راهبردهای گسترش عدالت

بررسی پدیدارشناسانه عدالت گستری در سخنان امام علی(ع) نشان می‌دهد سرچشمه و منبع اصلی اندیشه‌های امام علی(ع) به قرآن بازمی‌گردد و در ذیل آن عدل را مایه زینت و در رأس ایمان به شمار می‌آورد. (معادیخواه، ۱۳۷۳، ج ۷: ۳۴-۳۶) در واقع می‌توان گفت که از منظر امام علی(ع) عدالت، سرچشمه الهی و ریشه در ایمان دارد و حضرت

عدالت اخلاقی را پایه عدالت سیاسی و اجتماعی می‌داند که کاملاً از منابع دینی نشأت یافته است که بر مبنای فضای جامعه‌شناختی آن دوران بازگو و بازپروری می‌شدند. با وجود این برای کشف راهبردها در گسترش عدالت در جامعه اسلامی، باید علاوه بر توجه به فضاشناختی حضور امام و سیر تاریخی حیات ایشان که مملو از انحرافات و آسیب‌ها بود به پیامدها و آثار گسترش عدالت در تحقق حکمرانی شایسته نیز توجه شود. بدین ترتیب می‌توان با شناخت فضای فرآیندی و بافت زیستی آن دوران، به راهبردهای امام (ع) دست یافت. از آثار گسترش عدالت در جامعه از منظر امام علی (ع) می‌توان به اصلاح جامعه، سازندگی و پیشرفت جامعه، انتظام امور جامعه، ازدیاد یاران، نیک نامی و همچنین رشد قانون‌گرایی و تربیت انسان‌های فرهیخته اشاره کرد.^۶

طبق تحلیل مضامین سازمان‌یافته از بیانات امام علی (ع) می‌توان گفت راهبرد اصلی مدنظر ایشان در گسترش عدالت «تشکیل و تداوم حکمرانی شایسته با تربیت حاکمان و شاگردان» است. بر مبنای اسلام و با واکاوی دیدگاه امام علی (ع) می‌توان گفت «حکمرانی شایسته» عبارت است از: فرآیند تصمیم‌گیری توسط خداوند یا انبیا، اولیا یا نایبان بر حق آنان و اجرای آن به منظور نیل به افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی. حکمرانی شایسته از بُعد هستی‌شناسی، هستی‌حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او نشئت گرفته از او می‌داند. از بُعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند؛ بلکه معرفت‌های عقلایی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بُعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی دانسته و به همان اندازه که بر بُعد مادی اهمیت قائل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قائل می‌شود. از بعد روش، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند؛ بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. (نعمتی، مهدیان، ۱۳۹۸: ۵) طبق روایات امام علی (ع)، زمانی می‌توان جامعه را از عدالت پر نمود که حکمرانی شایسته بر مبنای قرآن و سنت نبوی حاکم شود. اما این مسئله بر ۳ راهکار استوار است:

- بازگشت به قرآن و سنت نبوی

قرآن منبع خیر است و زمانی می‌توان به حکمرانی شایسته دست یافت که قرآن و سنت نبوی راهنما و برنامه باشد.

- پرورش انسان‌های والا مقام و عادل

امام علی (ع) سعی و تلاش فراوانی در پرورش انسان‌های والا مقام و عادل از خود نشان داد؛ چرا که انتظار وجود عدالت در جامعه، در حالی که ایمان و اخلاق و خداپرستی و تقوی در افراد جامعه و رهبران سیاسی آن پرورش داده نشده امری محال و خیالی باطل است و امام نیز کاملاً به آن علم و آگاهی داشت.

- تربیت رهبران سیاسی عادل

برای تربیت رهبران سیاسی، امام از چند راهکار بهره بردند که اهم آنها چنین است:

- ارائه الگو به آن‌ها: معرفی پیامبر اسلام (ص) به عنوان سرمشق نیکو و پسندیده در زندگی و حکمرانی (احزاب: ۲۱) و لزوم اقتدا به راه و رسم ایشان و همچنین آموزش سیره رفتاری خودشان که در سخنان ایشان در نامه‌ها و

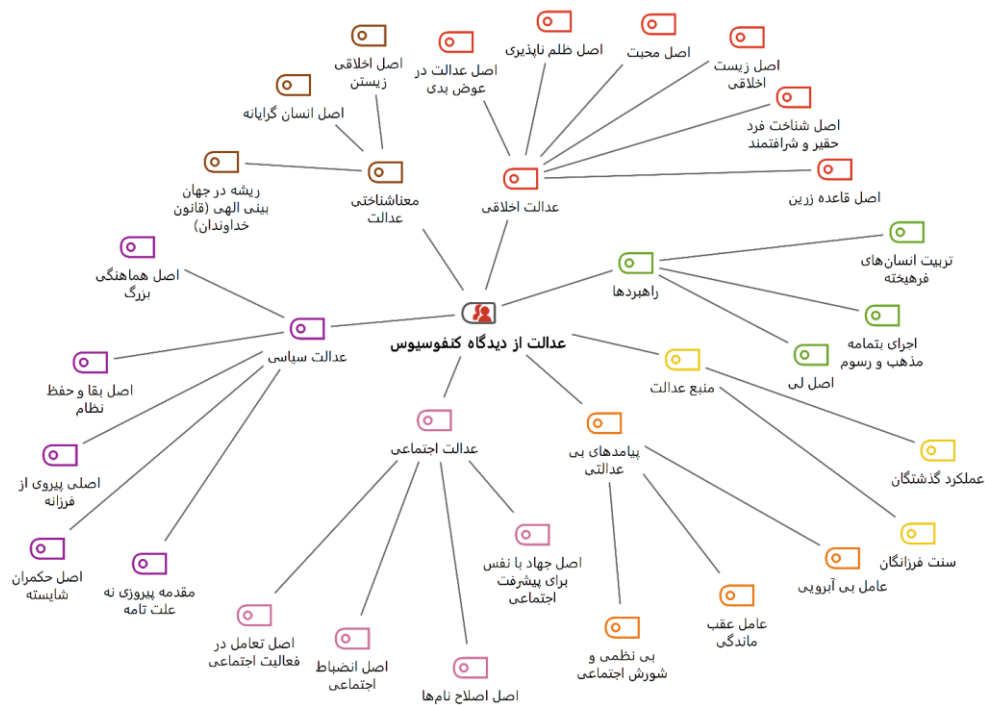
^۶ رک: حکمت ۲۲۴، ۳۱، نامه ۷۹، ۵۳، خطبه ۲۱۶؛ و...

خطبه‌هایشان آمده است که نامه حضرت به استاندار بصره نمونه بارزی از این آموزش است. (نهج البلاغه: نامه ۴۵)
- نظارت و مراقبت: امام (ع) به مالک اشتر چنین فرمان می‌دهند: «کارهای کارگزارانت را واری کن و افراد شایسته دارای صداقت و وفا را بر رفتار آنان مراقب ساز؛ زیرا بازرسی پنهان در کار آنان، آن‌ها را به امانت داری و نرمی با مردمان وادار می‌سازد.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

- خدامحوری، معنویت و عبادت: ایشان به مالک فرمودند: «اطاعت و عبادت خدا را بر همه چیز مقدم بدار و آنچه را در قرآن کریم آمده است از فریاض و مستحبات الهی بدان عمل کن؛ چون هیچ کس به سعادت نمی‌رسد جز با پیروی از دستورات خداوند.» (همان)

۴. مدل شناخت عدالت‌گستری از دیدگاه کنفوسیوس

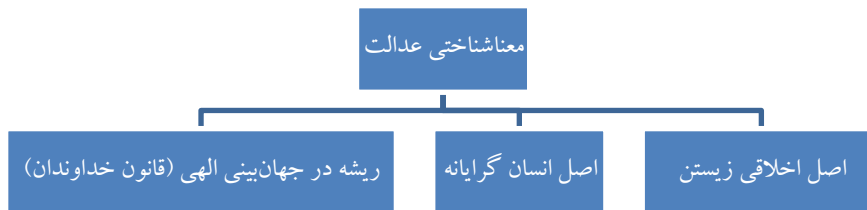
بر مبنای مضامین پایه به دست آمده از سخنان کنفوسیوس، می‌توان مقولات ذیل را دسته‌بندی نمود و مدلی دقیق برای شناخت مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر در جهت مقایسه با دیدگاه امام علی (ع) ارائه کرد:



۱.۴. معناشناختی عدالت در اندیشه کنفوسیوس

کنفوسیوس زندگی ساده و محقرانه‌ای داشت که در اوج احترام، مردمی و آبرومندانه می‌زیست و به شدت مایل بود با بی‌نظمی و دشمنی‌های موجود در اطراف خود، برخوردی قاطعانه داشته باشد. (کنفوسیوس، ۱۳۷۹: ۵۰) وی بر مسئله اخلاقی بسیار تأکید داشت به گونه‌ای که مکتب او را مکتبی اخلاقی معرفی می‌کنند. (Yao, 2000: 17-18) از منظر کنفوسیوس، «مردی که دارای عزم نیرومند و اخلاقی متین است هرگز فضیلت اخلاقی خود را فدای هوس‌های زندگی نمی‌کند. آری، مردانی در این جهان زندگی کرده‌اند که برای تکمیل و حفظ فضایل اخلاقی جسم و جان خود را

فدا ساخته‌اند.» (کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۸) شاید یکی از مهم‌ترین علل تأکید بیش از حد کنفوسیوس بر اخلاق، به ویژگی و اوضاع اجتماعی چین باستان مرتبط است (وینبرگ چای، ۱۳۸۶: ۳۹) و چون اوضاع اجتماعی در دوران حیات کنفوسیوس بد بود لذا او به اخلاق و قاعده «لی» تأکید می‌کرد. (Yao, 2000: 24)



- اصل اخلاقی زیستن

بر این مبنا، می‌توان گفت که زیر بنای اخلاق کنفوسیوسی، عدالت است. (سلیمانی، ۱۳۸۷: ۱۲۸) وی در برابر این پرسش که نظرت درباره پاداش بدی یا نیکی چیست؟ پاسخ داد: «اگر بدی را با نیکی کیفر دهی، نیکی را به چه پاداش خواهی داد؟... احسان را با احسان و سوء رفتار را باید با عدالت مقابله کرد.» البته کنفوسیوس، فضایل اخلاقی را به یکدیگر مرتبط و متصل می‌داند و در مورد عدالت نیز معتقد است که فرد عادل باید از تکبر، غرور و خست نیز دوری کند چرا که این اعمال، باعث دور شدن مردم و بی‌نتیجه ماندن عدالت وی می‌شود. (کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۱۴۶)

- ریشه در جهان‌بینی الهی (قانون خداوندان)

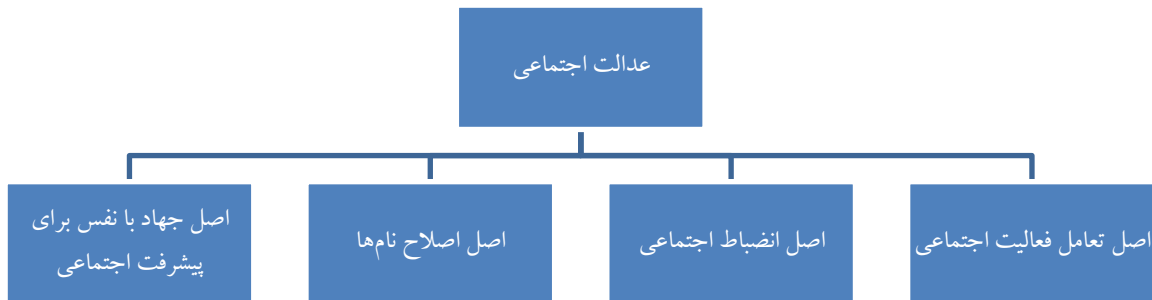
نظام اخلاقی که کنفوسیوس مطرح می‌کند نظامی الهی است و بر پایه اطاعت از قانون خداوندان استوار است. کنفوسیوس قائل است که هر نظم و قانون اخلاقی از ضمیر و وجدان انسان باید سرچشمه بگیرد، وجدانی که تجربیات نسل‌های بشری و عموم مردم آن را تأیید می‌کنند.

- اصل انسان‌گرایی

نقدهای متعددی در تعریف عدالت به کنفوسیوس وجود دارد. به عنوان مثال می‌توان گفت که درست است که وی به مذهب اعتقاد داشته اما چندان توجهی به آن نداشته است (کریل، ۱۳۸۰: ۱۴۵) به همین سبب نگاه کنفوسیوس به مسئله عدالت و سایر نظاماتش، کاملاً انسان‌گرایانه است و این مسئله باعث می‌شود عدالت از منظر او، مقوله‌ای در جریان باشد نه ایستا که براساس هر دوره و بر مبنای هر شخص فرزانه، تعریفی متفاوت داشته باشد. او راه پژوهش را در کارهای انسانی تعلیم می‌دهد و محیط فیزیکی را مدنظر قرار نمی‌دهد. از سوی دیگر وی به اندیشه‌های گذشتگان احترام می‌گذاشت و به آن کاملاً پایبند بود و معتقد بود که نباید بر آن خرده گرفت. لذا مخالف اندیشه‌های نو و نیروهای پیشرفت بود (وینبرگ چای، ۱۳۸۶: ۷۱-۷۲) بر همین مبنا در اثبات استدلال‌های خود، به اعمال و رفتار پیشینیان ارجاع داده (Giles, 2006, Chapter II) و آنان را الگوی تمام و کمال آموزه‌هایش می‌دانست (کنفوسیوس، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۱۲)

۲.۴. عدالت اجتماعی از دیدگاه کنفوسیوس

مقولات اصلی عدالت اجتماعی در سخنان کنفوسیوس به قرار ذیل قابل استخراج است:



- اصل تعامل فعالیت اجتماعی

نگرش کنفوسیوس به اخلاق، اصولاً نگرشی اجتماعی است و محور اصلی اخلاق در اندیشه او، انسان‌دوستی (جن / رن) و تقوا (یی) است (یو-لان، ۱۳۸۰: ۵۶) و تهذیب نفس و آداب اجتماعی نیز به آن وابسته است. در واقع کنفوسیوس یکی از ویژگی‌هایی که نشان می‌دهد تهذیب نفس را با فعالیت اجتماعی هماهنگ می‌داند، عدالت‌طلبی است. او نه تنها فرزانه را عدالت‌طلب می‌خواند بلکه عدالت را جوهره او می‌داند. (رستمیان، ۱۳۹۱: ۱۴۷)

- اصل انضباط اجتماعی

او نظم و انضباط اجتماعی را یکی از مهمترین ویژگی‌های عدالت دانسته و معتقد است که چنین مردمی خوشوقت می‌باشند (کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۱۴۰) و اگر این نظم و هماهنگی اجتماعی شکوفا نگردد عدالت نیز از بین خواهد رفت. (Confucius, 1910: 44)

- اصل اصلاح نامها

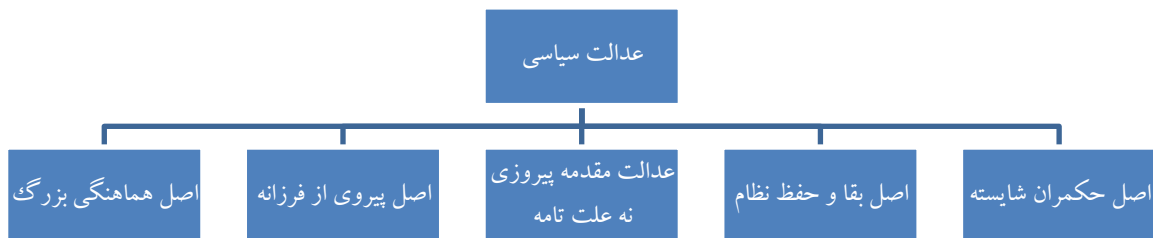
از منظر کنفوسیوس، وظیفه اصلی حکومت شایسته، سامان دادن کارهای کشور و ملت است و در این راستا یکی از مواردی که باید مورد توجه باشد رعایت عدالت اجتماعی است به این صورت که هر کس باید طبق وظیفه خود عمل کند. شهاریار باید شهاریار باشد، خادم خدمتگزار، پدر پدر، پسر پسر و هیچ کس از حدود خود تجاوز نکند. این مسئله باعث ایجاد انضباط در جامعه و آسودگی مردم می‌شود (کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۴۶) و خلاف آن شهر را به آشوب می‌کشانند. (وینبرگ چای، ۱۳۸۶: ۴۵) کنفوسیوس برای فهم این دیدگاه خود به مردم از واژه «اصلاح نامها» استفاده کرده و منظورش این بود که هر چیزی باید مطابق با نامی باشد که به آن داده شده است. این باعث می‌گردد جامعه متعادلی ایجاد گردد. (یو-لان، ۱۳۸۰: ۵۵) به همین مبنا در تعریف حکومت آمده است: «حکومت عبارت است از تعریف و اصلاح که آن خود دال بر عدالت، نزاکت (رعایت ادب) و درستی است. به این دلیل، وقتی القاب و مقام‌ها به درستی تعیین گشتند حکمران می‌داند چگونه باید حکمران باشد و وزیر چگونه وزیر.» (لی فو چن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۷۳۶) در حقیقت رمز اصلی حکمرانی شایسته از منظر کنفوسیوس، رعایت عدالت و مقوله‌های آن در بدنه حکومت است و هر کس که توان چنین امری را داشته باید وارد بدنه حکومت شده و سعی در اجرای عدالت نماید.

- اصل جهاد با نفس برای پیشرفت اجتماعی

کنفوسیوس برای این پیشرفت اجتماعی، جهاد با نفس را پیشنهاد می‌کند که همان برخورد متواضع و فروتن داشتن و احسان و مهربانی به مردم است. جهاد با نفس از منظر کنفوسیوس، اجرای عدالت شخصی است به این معنا که هر فردی باید خود عدالت را در قبال دیگران اجرا نماید زیرا اگر انسان عادل نباشد تسلیم شرارت و میل به باقی ماندن در فساد می‌شود که این مسئله علاوه بر بدنام و ظالم نمودن فرد، باعث پس ماندگی نیز می‌گردد. (لی فو چن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۰۵)

۳.۴. عدالت سیاسی از منظر کنفوسیوس

کنفوسیوس یکی از نخستین کسانی است که در تاریخ از عدالت سیاسی سخن گفت و از آن به عنوان عاملی مهم در تنظیم کارها نام برد. (Chen, 2009, vol.19: 2) وی شاخصه‌های زیر را برای عدالت سیاسی بیان می‌کند:



- اصل حکمران شایسته

او یکی از خصلت‌های فرد شریف و جوانمرد را عدالت دانسته و او را کسی می‌داند که در طلب کار و خدمت به مردم، فردی عادل باشد. (کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۱۳۴) از منظر او یکی از شرایط حاکم شرافتمند، داشتن عدالت است و آن حاکم کار خود را در مسیر عدالت و راستی هماهنگ می‌کند. در واقع ارزشمندترین ویژگی حاکم شرافتمند به عنوان حکمران شایسته، عدالت است که باید بیش از شجاعت و دیگر ویژگی‌ها مدنظر قرار گیرد (کنفوسیوس، ۱۳۷۹ ک ۲۱۰ و ۲۲۱) زیرا عدالت شالوده حکومت را شکل می‌دهد. (لی فو چن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۶۴۵)

- اصل بقا و حفظ نظام

وی عدالت را مهمترین شرط سلطنت می‌داند که بدون آن حکومت دوامی نخواهد داشت و با وجود آن اگر چه فقر هم باشد باز مردم به حکومت اعتماد داشته و با آن همراهی می‌کنند. (وینبرگ چای، ۱۳۸۶: ۴۷) چرا که عدالت، موجبات شادی و بهجت ملت خود را فراهم می‌آورد. (کنفوسیوس، ۱۳۷۹: ۲۳۸)

- عدالت مقدمه پیروزی؛ نه علت تامه

اگر حاکم تظاهر به عدالت کند مردم نیز تظاهر به تسلیم و اعتماد به وی می‌کنند که این باعث سستی حکومت خواهد شد. (لی فو چن، ۱۳۷۳، ج ۲: ۶۳۵ و ۶۴۳-۶۴۴) البته این بدان معنا نیست که الزاماً عدالت موجب پیروزی

می‌شود بلکه عدالت موجبات پیروزی و ظلم موجبات سقوط را فراهم می‌سازد. (کریل، ۱۳۸۰: ۱۳۹-۱۴۰) از دیدگاه وی، حاکم باید تمام اصول اخلاقی را در جامعه اجرا کند تا بدین طریق عدالت نیز ممکن الحصول گردد.

- اصل پیروی از فرزانه

حکومتی که او در نظر داشت، به معنای قرار داشتن در مسیر نیکی و درستی و عدالت است که برای بشر زمینی، می‌تواند در هر دوره و زمانه و در هر شرایطی، دستخوش تغییر و دگرگونی شود. به همین سبب وی برای تعریف عدالت سیاسی بر روی تجربیات بشری و مردان عادل و فرزانه تکیه داشت و از اندیشه‌های جزمی و تئوریک کاملاً دور و متفاوت بود. (کنفوسیوس، ۱۳۷۹: ۵۲)

- اصل هماهنگی بزرگ

بزرگترین آرمان کنفوسیوس تشکیل حکومتی جهانی بود که از آن با نام «هماهنگی بزرگ» یاد می‌کرد که نخستین مرحله رسیدن به این آرمان، پیشرفت اجتماعی به صورت یک جهان منظم است که بر این اساس لازم است با بی‌ثباتی اجتماعی و نابرابری اقتصادی مبارزه نمود. (وینبرگ چای، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۷)

۴.۴. راهبردهای گسترش عدالت از دیدگاه کنفوسیوس

طبق آنچه در مضامین استخراج شده به دست آمد ریشه نظامات کنفوسیوس در مسئله عدالت، به جهان‌بینی الهی و قانون خداوندگان بازمی‌گردد. از این رو ضروری است پیش از بیان راهبردها، به محیط درونی و بیرونی مسئله عدالت در جامعه پرداخته شود تا ابعاد مسئله به دست آید. منظور از محیط درونی در اینجا، شناخت منبع و سرچشمه عدالت در اندیشه‌های کنفوسیوس است که به دو مورد سنت فرزنانگان و عملکرد گذشتگان بازمی‌گردد که در ذیل به اختصار به تبیین آنها اشاره می‌شود:

الف) سنت فرزنانگان

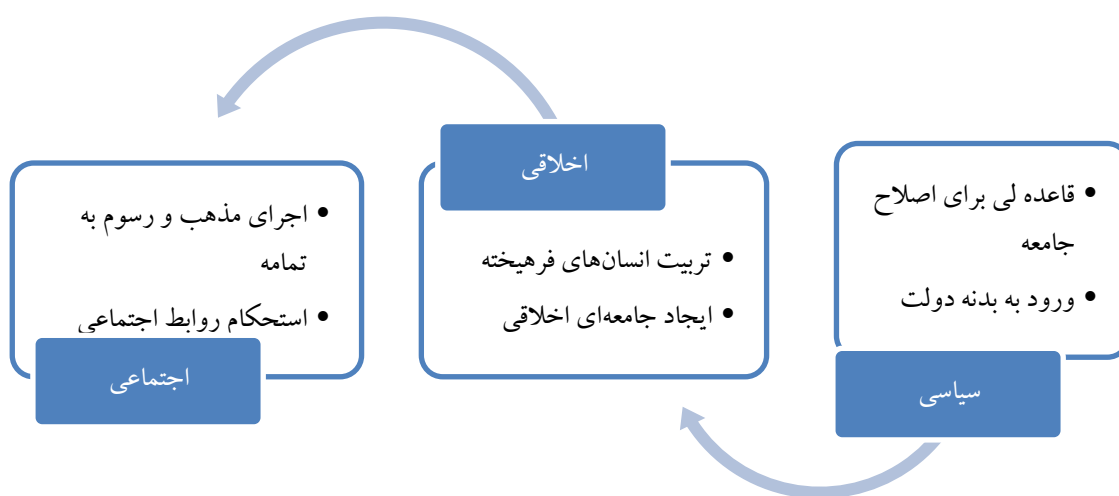
از منظر فلسفه سیاسی، چون هدایت اجتماع را به سنت می‌سپرد کاری کاملاً مطلوب انجام نداده است. (کریل، ۱۳۸۰: ۱۸۹) از سوی دیگر، مقوله لطف و مرحمت را جدای از عدالت می‌دید و لذا معتقد بود اگر کسی که کار بدی انجام داد نباید بخشیده شود و باید براساس اصل عدالت با وی برخورد شود در حالی که ادیان آسمانی چنین رویکردی را قبول نداشته و انعطاف اخلاقی را در عدالت جاری می‌دانستند.

ب) عملکرد گذشتگان

کنفوسیوس علاقه و توجهی به قوانین وضع شده در جامعه نداشت و معتقد بود اگر مردم را به وسیله قوانین و نظامات هدایت کنند و مطابق شرایع مجازات و کیفر دهند ممکن است از ترس و بیم مرتکب خیانت نشوند. (ناس، ۱۳۸۷: ۳۸۳) این نشان می‌دهد که کنفوسیوس کاملاً عدالت را براساس عملکرد گذشتگان تعریف می‌کند و مسائل روز را نادیده می‌گیرد. در واقع وی عملکرد گذشتگان را اصول اخلاقی برای جامعه تعریف نموده که عدالت نیز براساس این اصول پایه‌ریزی شده است در حالی که این نگاه ممکن است موجبات ناهنجاری‌های اجتماعی را برای دیگر دوره‌ها فراهم سازد.

این دو منبع بیانگر آن است که رویکرد کنفوسیوس در شناخت سرچشمه و بنیان عدالت پژوهی، انسان‌گرایانه است که می‌توان تأثیر بسزایی در کشف راهبردها و اهداف راهبردی کنفوسیوس از گسترش عدالت در جامعه داشته باشد که نمونه بارز آن اجرای عدالت درباره بدی‌کنندگان و عدم بخشش آنان است.

منظور از محیط بیرونی، شناخت پیامدهای عدم اجرای عدالت است که بر مبنای تحلیل‌های مضامین استخراج شده در ابعاد مختلف، می‌توان به سه پیامد اصلی و زیربنایی اشاره نمود که عبارت است از: ۱- بی‌نظمی و شورش اجتماعی، ۲- عقب ماندگی جامعه در عرصه اجتماعی و سیاسی و اخلاقی؛ و ۳- بی‌آبرویی در عرصه شخصی و فردی. با توجه به ابعاد بیان شده در محیط درونی و بیرونی مسئله، سه راهبرد برای گسترش عدالت در جامعه از منظر کنفوسیوس قابل بیان است که در مدل ذیل نشان داده می‌شود:



در ذیل به تشریح مضامین استخراج شده اشاره می‌شود:

- اصل لی

«لی» واژه‌ای است که کنفوسیوس برای اصلاح جامعه وضع کرد و معانی مختلفی همچون پاکی و طهارت، ادب و انسانیت، سرمشق کامل اعمال اجتماعی و مذهبی مردم را دارا است. او برای رسیدن به اهدافش که همان اجرای عدالت و اصلاح جامعه بود سعی نمود که وارد بدنه دولت شود تا از این طریق دست به اصلاح بزند (Yao, 2000: 24) و به نوعی مؤلفه‌های حکمرانی شایسته که بر پایه عدالت و بر محور اخلاق بود را اجرایی نماید. به همین سبب به شاگردانش یادآور می‌شد که رد مشاغل دولتی کاری مخالف عدالت است. (کنفوسیوس، ۱۳۷۹: ۳۷) تأکید او بر عدالت به اندازه‌ای بود که بسیاری از داستان‌های چینی درباره عدالت، براساس آموزه‌های کنفوسیوس تنظیم و ساخته شده است. (Chen, 2009, vol.19: 2)

- تربیت انسان‌های فرهیخته

تأکید بیش از اندازه او بر عدالت باعث گردید که این مقوله یکی از دغدغه‌های نظام اخلاقی او به شمار آید. او می‌گوید: «آن چه مرا آزار می‌دهد، این اندیشه است که نتوانم به قدر کفایت، خیر و نیکی را در وجود خویش پرورش

دهم، یا نتوانم با آنچه آموخته‌ام تعمق بخشم، یا نتوانم به سمت عدالت و مردان عدالت‌پیشه پیش روم...» (کنفوسیوس، ۱۳۷۹: ۱۰۷) به همین خاطر، کنفوسیوس برای رسیدن به هدف خود که همان ایجاد حکومت دادگر و جامعه‌ای ممتاز (نمود حکمرانی شایسته) است تلاش کرد تا انسان‌های فرهیخته‌ای تربیت کند؛ (کریل، ۱۳۸۰: ۹۸) چرا که با جامعه اخلاقی می‌توان جامعه را به سوی عدالت سوق دهد.

- مذهب و رسوم به تمامه

نظام موفق اجتماعی باید براساس مذهب و مراسم و تشریفات دینی در معابد نیکان استوار باشد. (رک: بوش، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۸۷) حکام و افراد وقتی مراسم مذهبی به جای بیاورند و قربانی بدهند، دلیل استحکام روابط اجتماعی بین آنهاست و موجب تعمیم دوستی و محبت بین آدمیان می‌شود و آنان بیشتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند. (رک: کنفوسیوس، ۱۳۸۳: ۱۴۶) عدالت نیز از این قاعده مستثنا نبوده و زمانی قابل اجرا است که مذهب و رسومات به تمامه اجرا گردد.

۵. نتیجه

در این پژوهش کوتاه، تلاش گردید به شیوه تحیل مضمون، به بررسی اصول عدالت و گسترش آن از منظر امام علی (ع) و کنفوسیوس پرداخته شود. از هر دو دیدگاه، عدالت رمز اصلی حکمرانی شایسته دانسته می‌شود که ریشه در اخلاق دارد. در حقیقت آنان معتقد بودند احقاق حقوق شهروندان در هسته مرکزی عدالت وجود دارد و چنین شهروندانی در پرتو حکمرانی اخلاقی و شایسته از بهره‌های چون اصلاح جامعه، پیشرفت مطلوب، امنیت و آزادی برخوردار خواهند بود. با وجود این شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در این دو دیدگاه در خصوص عدالت‌گستری وجود دارد که تا حدودی نحوه نگرش و اصول مسلم آنان در گسترش عدالت در جامعه را نشان می‌دهد.

ابعاد	مقولات فراگیر	مقولات سازمان‌دهنده
اشتراکات	معناشناختی	عدالت، مقوله‌ای اخلاقی بوده و جزء مهمترین عناصر در تحقق سیاست و اجتماعی مطلوب بوده است. اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه چین باستان و دوران صدر اسلام تأثیر بسزایی در نگرش و تأکید آنها به عدالت داشته است. در تعریف عدالت بر مذهب و سنت تأکید دارند.
	اجتماعی	عدالت، اصولاً نگرشی اجتماعی است که باعث ایجاد تعادل اجتماعی می‌گردد. عدالت عامل نظم و انضباط اجتماعی و پیشرفت جامعه می‌شود. عدالت اجتماعی براساس شایسته‌سالاری و اصل انصاف ممکن است. هر کس باید بر طبق لیاقت و توانایی خود خدمت کند و هیچ کس نباید از حدود خود تجاوز نماید.
	سیاسی	بیشتر سخن معطوف به حکمرانان و شیوه حکمرانی است و حکومت بدون عدالت دوامی ندارد. هر دو بر تقوا و محبت در سیاست تأکید دارند. بی‌عدالتی موجب بی‌نظمی و شورش اجتماعی، عقب ماندگی و عدم پیشرفت می‌شود.
افتراقات	راهبرد	بهترین راهبرد تعلیم و تربیت شاگردان و حاکمان فرزانه است.
	معناشناختی	عدالت از دیدگاه کنفوسیوس، کاملاً انسان‌گرایانه و در نگرش امام علی (ع) خداپاورانه است. رویکرد تجربه بشری باعث تغییر تعریف و الگوهای عدالت در هر دوره در مکتب کنفوسیوس می‌شود و با ایجاد تغییرات اجتماعی یا سیاسی دچار تغییر و دگرگونی گردد. کنفوسیوس برخلاف امام، مخالف اندیشه‌های نو و نیروهای پیشرفت همچون کشف است. راه پژوهش کنفوسیوس برخلاف امام، صرفاً تعلیم از کارها و تجربه‌های انسانی و عدم توجه به محیط فیزیکی است. عدالت در اندیشه‌های کنفوسیوس، زیرمجموعه محبت و انسان دوستی است اما در اندیشه امام علی (ع) بالاترین فضیلت و اصل و جوهر اخلاقی و سرچشمه همه خوبی‌ها است.
	اجتماعی	کنفوسیوس در اجرای عدالت برخلاف امام به قوانین مدون کشور اعتنا ندارد.

کنفوسیوس تنها عملکرد گذشتگان را معیار عدالت اجتماعی می‌داند؛ لذا مسائل روز را نادیده می‌گیرد.		
امام (ع) قرآن و سنت نبوی را اصل شناخت الگوهای عدالت اجتماعی می‌دانند اما کنفوسیوس بر روی فرزاندانی تأکید دارد که هویت مشخصی در تاریخ ندارند. همچنین استفاده ابزاری از شخصیت‌های افسانه‌ای در اداره امور و ترسیم نظام کاری غیرمطلوب می‌باشد.		
کنفوسیوس تنها بر تجربیات بشری و مردان عادل تکیه داشت و از اندیشه‌های دگماتیک و تئوری کاملاً دور بود از نظر کنفوسیوس راه کسب اصل لی برای اصلاح جامعه، با ورود به بدنه حاکمیت ممکن است.	سیاسی	
فلسفه سیاسی کنفوسیوس پراگماتیسم و عملگرایانه بود لذا نمی‌توان او را صاحب نظامی فلسفی در عرصه سیاسی دانست.		
امام علی (ع) قرآن و سنت نبوی را منبع عدالت سیاسی دانسته و حاکمان را مسئول در برابر خدا می‌دانست و مشاغل آنان را مشاغلی عبادی در نظر می‌گرفت.		
از منظر کنفوسیوس برای گسترش عدالت حتماً باید وارد بدنه دولت شد و رد مشاغل دولتی خلاف عدالت است.	راهبردها	
از دیدگاه کنفوسیوس برخلاف امام، اجرای تشریفات دینی و مراسم در معابد نیکان، راه گسترش عدالت است.		

در نتیجه باید گفت که عدالت‌گستری، جزء جداناپذیری در مکتب کنفوسیوس و امام علی (ع) است و این دو نفر تأکید فراوانی بر آن داشتند؛ هر چند که در تبیین فلسفی و کلامی مقوله عدالت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به نظر می‌رسد آنچه جامعه غربی سخن از عدالت به عنوان مؤلفه حکمرانی خوب ذکر می‌کنند با تبیین‌ها و نگرش‌های کنفوسیوس تا حدودی هماهنگی دارد؛ به ویژه در بعد انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی آن؛ در حالی که با آنچه امام علی (ع) از عدالت در حکمرانی مدنظر دارد مغایرت‌های زیادی دارد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. ابن ابی الحدید، شرح ابن حدید، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷
 ۲. ابن حجر، شهاب الدین احمد، الصواعق المحرقة، مصر، مطبعة میمنیه، سال ۱۳۱۲ هـ
 ۳. ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵
 ۴. اسلامی، سید حسن، «قاعده زرین در حدیث و اخلاق»، علوم حدیث، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم (مسلسل ۴۵ و ۴۶)، پاییز و زمستان ۱۳۸۶
 ۵. افلاطون، دوره آثار افلاطون، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۷
 ۶. الامدی التیمی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷
 ۷. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
 ۸. بوش، ریچارد، مذهب جهانی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶
 ۹. پارسانیا، حمید، اخلاق اسلامی مفاهیم و بنیادها، مجله تبیان، شماره ۸۴
 ۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷
 ۱۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴ ش

۱۲. جرداق، جرج، *امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی*، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، قم، انتشارات خرم با همکاری مرکز بررسی های اسلامی قم، سال ۱۳۶۹
۱۳. حکیمی، محمد رضا و حکیمی، محمد، *الحیاه*، ترجمه احمد آرام، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰
۱۴. رستمیان، محمدعلی، *اخلاق و فرزانگی از منظر فارابی و کنفوسیوس*، فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۱
۱۵. رشیدی، علی، *شایسته سالاری؛ از کنفوسیوس و بودا و ارسطو تا امتحان شایستگی تحصیلی و رأی مردمان*، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۹-۲۱۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۳
۱۶. رهبر، محمد تقی، *درس های سیاسی از نهج البلاغه*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴
۱۷. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، *سیری در ادیان زنده جهان*، قم، آیت عشق، ۱۳۸۷
۱۸. شرباصی، احمد؛ *دایرة المعارف اخلاق قرآنی*، ترجمه محمد بهاءالدین حسینی، سنندج، تازه نگاه، ۱۳۷۹
۱۹. شهیدی، سید جعفر، *شرح نهج البلاغه*، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱
۲۰. شیخ صدوق، *المواعظ*، ترجمه عزیزالله عطاردی، انتشارات مرتضوی
۲۱. شیخ طوسی، نصیر الدین محمد بن محمد بن حسن (م ۶۷۲ ق)، *اخلاق ناصری*، تصحیح و تنقیح: مجتبی مینوی، علی رضا حیدری، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۰
۲۲. شیخ مفید، *الامالی*، ترجمه حسین استاد ولی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴
۲۳. صدر حاج سید جوادی، احمد و بهاءالدین خرمشاهی و کامران فانی؛ *دایرة المعارف تشیع*، تهران شهید سعید محبی، ۱۳۸۱
۲۴. علیخانی، علی اکبر، *توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)*، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۷
۲۵. علیخانی، علی اکبر، *عدالت در اندیشه سیاسی امام علی (ع)*، مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۲۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰
۲۶. قزوینی، عبدالکریم بن محمد یحیی، *بقاء و زوال دولت*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱
۲۷. کریل، اچ. جی.، *کنفوسیوس و طریقه چینی*، ترجمه گیتی وزیری، تهران، سروش، ۱۳۸۰
۲۸. کنفوسیوس، *تعالیم کنفوسیوس*، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، تهران، نشر تیر، ۱۳۷۹
۲۹. کنفوسیوس، *مکالمات*، ترجمه حسین کاظم زاده ایرانشهر، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۳
۳۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب؛ *الکافی*، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق
۳۱. لی فو چن، *راه کنفوسیوس*، ترجمه گیتی وزیری، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳
۳۲. اللیثی الواسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسن حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶
۳۳. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳
۳۴. محمدی الری شهری، *میزان الحکمه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲
۳۵. مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱
۳۶. معادیخواه، عبدالحمید، *فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه*، تهران، نشر ذره، ۱۳۷۳
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ *یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث*، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۴

۳۸. ناس، جان بی، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۷
۳۹. نراقی، ملا احمد، *معراج السعاده*، قم، هجرت، ۱۳۸۱
۴۰. نعمتی، امیرحسین و مهدیان، حسین، *موانع تحقق حکمرانی شایسته / منظر امام علی (ع) در نوع نظام‌های سیاسی جوامع اسلامی*، اولین همایش ملی فرماندهی و مدیریت از منظر امیر المومنین امام علی (ع)، ۱۳۹۸
۴۱. وینبرگ چای، چوجای، *تاریخ فلسفه چین*، ترجمه ع. پاشایی، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۶
۴۲. یو-لان، فانگ، *تاریخ فلسفه چین*، ترجمه فرید جواهرکلام، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰
43. Annan, K, *We the peoples: "The Role of the United Nations in the 21st Century"*, New York, United nations Publication, 2000
44. Berthrong, John H. and Evelyn Nagai Berthrong, "*Confucianism; A short introduction*", Oxford, One world, 2000
45. Chen, Xunwu, "*Justice: The Neglected Argument and The pregnant vision*", *Asian Philosophy: An International Journal of the Philosophical Traditions of the East*, Volume 19, Issue 2, 2009
46. Confucius, "*The Sayings of Confucius*", Translated by Lionel Giles, New York, E. p. Dutton and Company, 1910
47. Giles, Herbert A., "*Religions of ancient China*", London, Constable and Company Ltd, 2006
48. Seminar on Good Governance practices for the promotion of Human rights, Seoul, 15-16 September 2004, Back Ground note
49. Singer, Marcus G., "*Golden Rule*", *ENC. Of Philosophy*, Edited by: Donald Borchert, USA, Macmillan Reference, 2006
50. Yao, Xinzong, "*An introduction to Confucianism*", Cambridge, Cambridge University Press, 2000